



نوگرایی در شعر هوشنگ ابتهاج

هادیه عابدی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
Abedi.hadieh2020@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نوگرایی در شعر هوشنگ ابتهاج می‌پردازد. سایه از غزل‌سرایان نامی معاصر است که کوشیده‌است شعر خود را با زبانی شیوا و بیانی متناسب با موسیقی عرضه نماید. سایه در بیان دغدغه‌های اجتماعی از زبان نمادین بهره می‌گیرد. و در اشعار خود از ترکیبات و عناصر شعر نو بهره برده که زبان آن را به زبان مردمان زمانه‌اش نزدیک می‌کند. در این مقاله تلاش شده‌است که با ارائه تعریفی مشخص از نوگرایی، عواملی که در شعر سایه سبب ایجاد نوگرایی در اشعارش شده‌است، ارائه گردد. که در این حوزه به مقوله‌هایی همچون صورخیال (تشبیه، استعاره، نماد، تمثیل...)، زبان شعر و موسیقی شعر (وزن عروضی اشعار و قافیه و ردیف) سایه پرداخته‌است.

کلیدواژه: ابتهاج، نوگرایی، صورخیال، زبان، موسیقی

مقدمه

ادبیات و شعر، هنر کلامی و کاربرد ویژه‌ای از زبان هستند که به ذهنیت و عواطف، تجسم حسی می‌بخشند و اصالت و ارزش آن‌ها به تازگی بیان بستگی دارد. بنابراین در فضایی که تمایل به نوآوری و پیشرفت احساس می‌شود، فرهنگ و هنر نیز از تحول و دگرگونی بی‌بهره نمی‌ماند.

تا پیش از ورود به عرصه مدرنیته که انسان‌ها از هیچ‌گونه «فردیت» برخوردار نبودند و لذا مسائل و دغدغه‌های خصوصی‌شان امکان و قابلیت ورود به شعر شاعر را نداشت، موضوعات قابل طرح، کلیاتی بودند تغییرناپذیر، مقدس، تثبیت شده و تأیید شده؛ با جنبش مشروطه که قرار شد مردم ارزشی پیدا کنند و شناسنامه داشته باشند و سرنوشت‌شان را خودشان تعیین نمایند، شاعران به بیان فردیت خویش در شعر همت گماردند. بسیاری از واژه‌ها، تعابیر، تصاویر و استعاره‌ها دیگر در آن چهارچوب بسته نمی‌گنجید؛ لذا آن چهارچوب توسط چند نفر مثل تقی رفعت، ابوالقاسم لاهوتی و نیما یوشیج شکسته شد و ادبیات با اوزان شکسته مواجه شد. وزن از حالت امری و عرضی و زینتی خارج شد و به همراه شعر خلق گردید. شاعر دیگر به آسمان و دیگر فرآورده‌های متافیزیکی آن نظر نداشت، بلکه سر در آستان واقعیات عینی و رخدادهای اجتماعی نهاد.

شعر عصر مشروطه از رنج واقعی سخن می‌گوید. از عشقی می‌سراید که بسته تن و جسم آدمی است و برای لذت جسمانی به کار می‌آید. از تفاوت‌های اجتماعی و نابرابری‌های عینی می‌پرسد و بر ساختار بسته و از پیش تعیین شده جامعه نهیب می‌زند. گفتمان مسلط پیش از مشروطه در شعر چون گفتمانی دینی بود، گفتمانی بود که بالاتر از بشر جریان داشت و بشر کسی نبود که در آن تردید کند، و اگر هم کسی اگر و مگری در میان می‌آورد بر آن همان می‌رفت که بر سر حلاج و شیخ شهاب‌الدین سهروردی و عین‌القضات و دیگران رفته بود. سمت‌گیری اصلی جنبش مشروطیت رسیدن به فردیت حقیقی و حقوقی افراد بود.

نیما، به نوعی، نتیجه و ثمره تحولی را که شعر فارسی از پیش‌زمینه‌های جنبش مشروطیت و ایده‌هایی که در آن جنبش مطرح شدند، در خود جای داده بود و در ادبیات منظم‌تر و انضباط‌آمیز نهادینه کرد. تاریخ ادبیات مدرن ایران رسماً از انقلاب نیما آغاز می‌شود. ویژگی مهم شعر نیما نسبت به همه آنچه پیش از او اتفاق افتاده است توجه او به فردیت شاعر و تغییر جایگاه عمل شاعری از بیرون به درون شاعر است.